

امدادرسانی زنان ایران در جنگ؛ از فرهنگ دیرینه تا موانع حکومتی و امنیتی

راديو فردا

۱۴۰۵/تیر/۰۶



AFP

در روزهایی که تهران و دیگر شهرهای ایران در جنگ ۴۰ روزه زیر حملات موشکی و پهپادی قرار داشت، با این‌که زنان در میان نیروهای امداد حضور داشتند، اما روایت آن‌ها کمتر شنیده شد یا چهره‌هایشان کمتر دیده شد.

این حضور چگونه بود و اساساً موانع موجود بر سر راه حضور بیشتر زنان در امدادرسانی‌های دوران بحران در ایران چیست؟

امدادرسانی، «یک سنت در فرهنگ ایرانی»

ایران کشوری است که نه‌تنها از نظر طبیعی در معرض بلایای مختلف قرار دارد؛ از سیل و زلزله، تا خشکسالی و فرونشست زمین و آتش‌سوزی جنگل‌ها، بلکه تاریخ معاصر ایران سرشار از جنگ‌های خارجی، درگیری‌های داخلی در برخی مناطق، سرکوب‌های مرگبار و خونین اعتراضات، انقلاب، اعدام‌های گروهی و... بوده است.

منصوره شجاعی، پژوهشگر و فعال حقوق زنان، در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید: «در کشوری مثل ایران باید بگویم که مواقع بحرانی دیگر یک اتفاق استثنایی نیست، بلکه به بخشی از تجربه زیسته مردم و نوعی از زندگی تبدیل شده است.»

او می‌افزاید: «اگر به چند دهه گذشته نگاه کنیم، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، از زلزله و سیل گرفته تا جنگ و سرکوب اعتراضات مدنی، جامعه ایران بارها به بحران‌های طبیعی و انسان‌ساخت گرفتار شده است. هرچند این بحران‌ها ماهیت یکسانی ندارند، اما یک نقطه مشترک میان همه آن‌ها وجود دارد و این نقطه مشترک، نقش پررنگ مشارکت مردمی است؛ چه از طریق نهادهای رسمی امدادی و آتش‌نشانی، چه در شکل گروه‌های داوطلب و محلی.»

به عقیده این پژوهشگر، این مشارکت مردمی به «یک گونه سنت در فرهنگ ایرانی و در میان مردم ایران» تبدیل شده که «در کاهش رنج مردم و بازسازی زندگی آن‌ها نقش خیلی مهمی داشته است.»

«ساختار دوگانه» حضور زنان در امداد رسانی‌ها

خبرگزاری دولتی ایسنا به تازگی در گزارشی به نقش زنان داوطلب در گروه‌های امداد در جریان جنگ اخیر ایران پرداخته است. این گزارش نشان می‌دهد که این زنان تنها به امداد رسانی اولیه و نجات مجروحان اکتفا نکردند، بلکه در اسکان آسیب‌دیدگان، جست‌وجوی مفقودان، رسیدگی به نیازهای پزشکی، حمایت روانی از کودکان و خانواده‌ها و ایجاد آرامش در محله‌های آسیب‌دیده نیز نقش مؤثری داشتند.

کارشناسان معتقدند که در زمینه نقش زنان در حوزه امداد رسانی باید تفاوت میان دو ساختار متفاوت را در نظر گرفت.

اعظم بهرامی، کارشناس محیط زیست و توسعه پایدار، در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید اولین ساختار، «ساختار امداد رسانی حکومتی» است که بیش از آن‌که بر مشارکت واقعی زنان استوار باشد، حضوری نمایشی از آنان در صحنه ارائه می‌دهد.

به عقیده این کارشناس، الگوی غالب در این ساختار نشان می‌دهد که زنان در تصویرسازی‌های رسانه‌ای حضور دارند، اما در سطوح مدیریتی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مرتبط با امداد رسانی نقشی ایفا نمی‌کنند: «تجربه هلال احمر و ستاد مدیریت بحران نیز مؤید همین مسئله است؛ نهادی که اگرچه بر اساس قانون یک نهاد غیرنظامی محسوب می‌شود، اما در عمل تحت مدیریت و فرماندهی نهادهای نظامی و امنیتی قرار دارد.»

در مقابل، به نظر می‌رسد که ظرفیت واقعی امداد رسانی زنان را باید در شبکه‌های غیررسمی جست‌وجو کرد.

خانم بهرامی اضافه می‌کند: «این شبکه‌ها در بسیاری از بحران‌ها عملکردی سریع‌تر و دقیق‌تر از ساختارهای رسمی داشته‌اند. زلزله کرمانشاه، که در آن نیازسنجی با سرعت و دقت بالایی انجام شد، و همچنین سیل گیلان، از جمله نمونه‌های این تجربه هستند.»

تلاش بیشتر زنان برای تاب‌آوری

منصوره شجاعی، پژوهشگر و فعال حقوق زنان، در گفت‌وگو با رادیو فردا به موضوع تاب‌آوری نزد زنان و در عین حال به محدودیت‌هایی که زنان در شرایط کنونی ایران به آن دچارند، اشاره می‌کند.

خانم شجاعی می‌گوید: «چیزی که در میان بسیاری از زنان دیده می‌شود، این است که برای تاب‌آوری بیشتر به تأسیس شبکه‌های همدلی و حمایت روی می‌آورند. نمونه جهانی آن "مادران آرژانتینی" هستند.»

مادران میدان مایو انجمنی است از مادران آرژانتینی که فرزندان‌شان در زمان دیکتاتوری نظامی بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ ناپدید شدند.

این پژوهشگر مسائل زنان همچنین به نمونه‌های ایرانی شبکه‌های زنان داغدار و دادخواه اشاره می‌کند؛ مثل مادران خاوران، مادران پارک لاله، مادران آبان ۹۸، مادران دادخواه جنبش «زن، زندگی، آزادی» و مادران قربانیان سرنگونی هواپیمای اوکراینی.

او تأکید می‌کند این شبکه‌ها هم به خود زنان کمک می‌کند که رنج‌شان قابل تحمل‌تر شود و هم به یک سازوکار حمایتی برای دیگران تبدیل می‌شود.

با این حال، شجاعی در زمینه «حمایت‌های دولتی از این آسیب‌دیدگان روانی و عاطفی» تأکید می‌کند که حکومت نه تنها حمایتی نمی‌کند بلکه در مواقعی دست به ممانعت‌رانی می‌زند؛ به عنوان نمونه، او به تعداد زیادی از پرستارهای زن بعد از کووید و بحران‌های مشابه اشاره می‌کند که «نه تنها حمایت نشدند، بلکه اخراج هم شدند».

موانع حضور بیشتر زنان در امدادسانی‌ها

همان‌طور که کارشناسان می‌گویند، شبکه‌های مستقل حمایتی نیز با محدودیت‌هایی مواجه‌اند. فعالان زن اغلب تحت فشار و سرکوب قرار می‌گیرند، با اتهامات مختلف روبه‌رو می‌شوند و فعالیت‌های آنان در قالب روایت‌های امنیتی تفسیر می‌شود.

اعظم بهرامی به «سه مانع ساختاری» اشاره می‌کند که موجب شده زنان نتوانند نقش مؤثری در مدیریت بحران ایفا کنند: «نخست، غلبه نهاد‌های نظامی و امنیتی بر ساختار مدیریت بحران است که فرهنگ سازمانی مردسالار را بازتولید کرده و حضور زنان را در سطوح تصمیم‌گیری نامرئی می‌کند.»

او می‌افزاید: «دوم، محدودیت‌های حقوقی و اداری است. اگرچه زنان توانایی انجام نیازسنجی‌های دقیق‌تر را دارند، اما به دلیل موانع قانونی و اداری، امکان همکاری مؤثر با نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل را در اختیار ندارند و سومین مانع نیز به روایت رسمی و تبلیغات حکومتی مربوط می‌شود.»

این کارشناس محیط زیست و توسعه پایدار در زمینه مانع سوم تأکید می‌کند که در روایت‌های رسمی، «زنان عمدتاً به عنوان نماد صبر و رنج به تصویر کشیده می‌شوند؛ زنانی که در میان ویرانه‌ها سوگواری می‌کنند، فرزند خود را در آغوش گرفته‌اند یا در انتظار دریافت کمک ایستاده‌اند. این الگو پیش‌تر نیز در دوران جنگ هشت‌ساله بازتولید شده بود. در مقابل، هنگامی که به ساختار واقعی مدیریت بحران در حوادثی مانند زلزله و سیل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که افرادی که لباس رسمی بر تن دارند، در جایگاه تخصص، فرماندهی و تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند و نقش کنشگر را ایفا می‌کنند، تقریباً همگی مرد هستند. این امر نشان می‌دهد که فضای مدیریت بحران همچنان فضایی کاملاً مردانه است.»

تجربه متفاوت امدادگران زنان در مواقع بحران

شرایط کنونی با تمام موانع و عواملش منجر به دو نوع تجربه متفاوت میان امدادگران مرد و امدادگران زن شده است.

خانم شجاعی با تأیید تفاوت تجربه زنان با مردان در این موضوع، می‌گوید: «این تفاوت بیش از آن که به انگیزه مشارکت مربوط باشد، در واقع به نقش‌هایی برمی‌گردد که زنان بیشتر به عهده می‌گیرند. نقش‌های زنان در حوزه‌هایی مثل مراقبت، درمان، حمایت‌های عاطفی، تأمین نیازهای غذایی و بهداشتی است.»

او می‌افزاید: «به همین دلیل هم مشارکت زنان اغلب پس از آن مراحل فوریتی و اورژانسی نیز ادامه پیدا می‌کند و به شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی، تقویت تاب‌آوری اجتماعی را بیشتر می‌کند و تاب‌آوری اجتماعی را در واقع تقویت می‌کند. ما نمونه مشخص آن را در زلزله بم، حدود ۳۰ سال پیش، شاهد بودیم. به همین دلیل فکر می‌کنم تجربه امدادگری زنان، به دلیل همین تداوم و پیوندهای عاطفی زنانه، مادرانه، ویژگی متمایزی نسبت به تجربه مردان پیدا می‌کند.»

ضرورت افزایش پایدار حضور زنان در امدادسانی‌ها

بر اساس گزارش‌های سالانه سازمان ملل متحد هر سال به تعداد زنان و کودکانی که نیازمند اقدامات بشردوستانه هستند افزوده می‌شود و هم‌زمان در این شرایط افزایش حضور زنان در گروه‌های امدادی نیز ضرورت می‌یابد.

کارشناسان معتقدند که حضور امدادگران زنان می‌تواند کیفیت فعالیت‌های بشردوستانه را بسیار تغییر دهد و آنان می‌توانند این فعالیت‌ها را بسیار منسجم‌تر کنند و آن را متناسب‌تر با نیاز میدانی کنند.

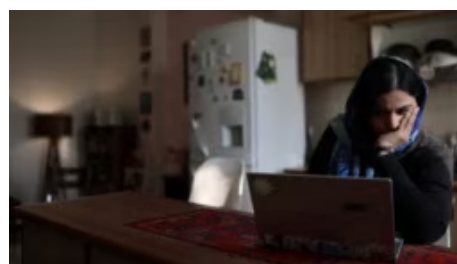
اعظم بهرامی به نمونه زلزله بزرگ سال ۲۰۲۳ در مراکش اشاره می‌کند که با وجود ساختار بسیار سنتی و محافظه‌کار این کشور، زنان توانستند یک گروه امدادی به نام «جمعیت نسائیه» را که شامل زنان روستایی بود، تشکیل دهند: «آنها کمک‌ها را بسیار دقیق توزیع می‌کردند. بعداً در واقع تحقیقات نشان داد که فساد بسیار کمتری وجود داشته است. بسیار دقیق‌تر بودند، بسیار سریع‌تر عمل می‌کردند و حتی منجر شد که مراکش یک برنامه ملی برای آنها طراحی کند و این مجموعه را توانمندسازی کند.»

این تحلیلگر تأکید می‌کند: «اگر بخواهیم پروژه‌های امدادی پایداری بلندمدت داشته باشند، باید زنان در طراحی آنها نیز مشارکت داشته باشند. آنها باید خودشان مدیریت کنند، تصمیم‌گیر باشند و پایش کنند.»

بر اساس تحلیل‌های سازمان ملل، بحران‌ها و جنگ‌ها به‌طور نظام‌مند، نابرابری‌های جنسیتی موجود را به‌ویژه در کشورهای مثل ایران تشدید می‌کنند. در چنین شرایطی است که نقش زنان امدادگر در جهان و به‌ویژه در ایران اهمیتی چندبرابر پیدا می‌کند.

بیشتر در این باره:

زیان بیشتر زنان از قطعی اینترنت در ایران و فروپاشی «بازار کار موازی»



این مطلب بخشی از:

به من بگو

فراتر از خبر

بایگانی

اجتماعی